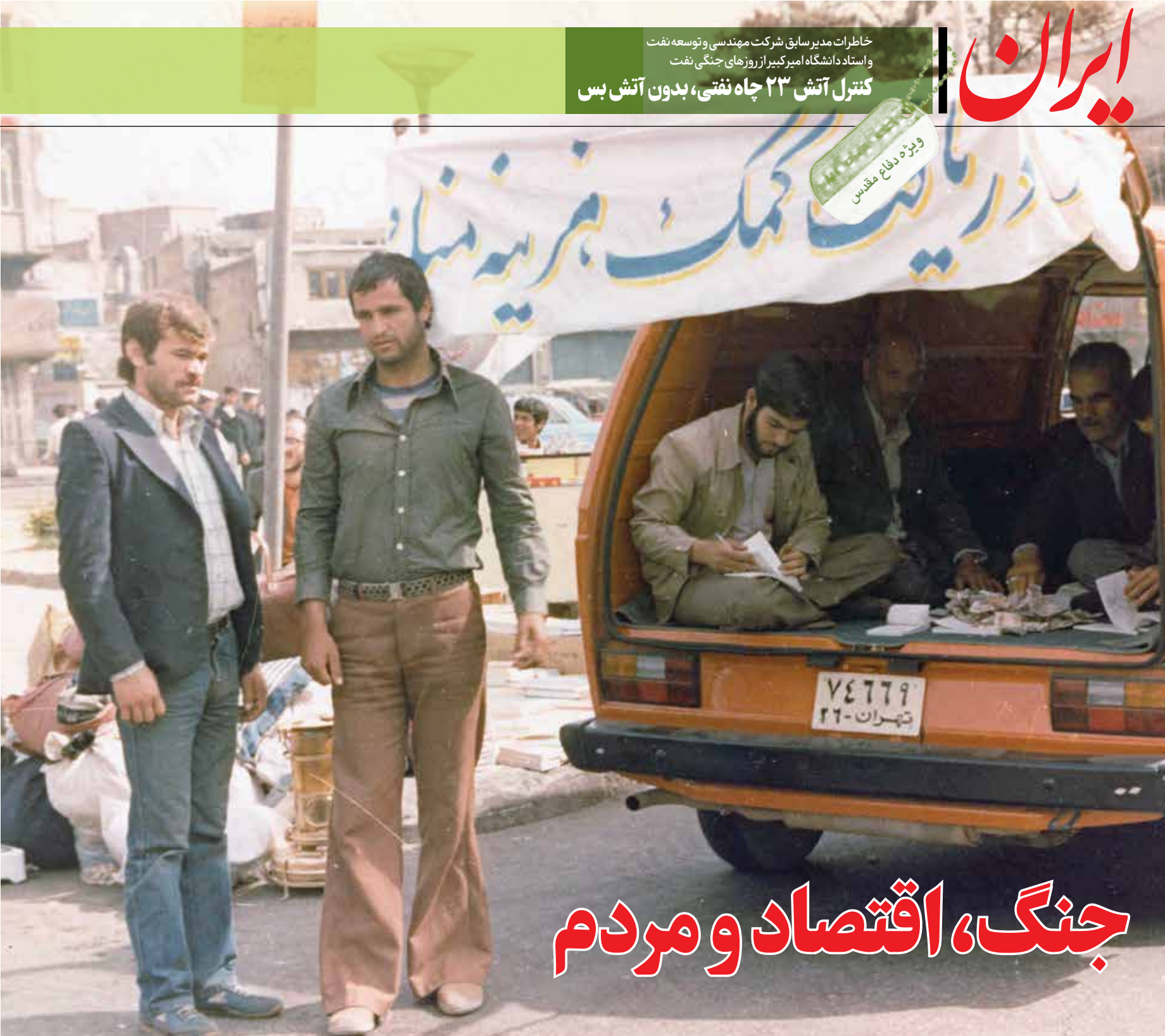


خاطرات مدیر سابق شرکت مهندسی و توسعه نفت
و استاد دانشگاه امیرکبیر از روزهای جنگی نفت

کنترل آتش ۲۳ چاه نفتی، بدون آتش بس

ویژه دفاع مقدس



جنگ، اقتصاد و مردم

فرشاد مؤمنی

اقتصاددان

پرداختن به تجربه مدیریت اقتصادی از دریچه توسعه در دوران دفاع مقدس از جهات پرشماری اهمیت دارد و برای کشور سرنوشت‌ساز است. انتقال این تجربه به نظام تصمیم‌گیری کشور کمک می‌کند تا خطاهای راهبردی در عرصه اداره اقتصاد ملی را متوقف کنند و بانکیه بر ذخیره‌دانی موجود کام‌هایی به سمت اصلاح و بهبود بردارند.

وقتی به تاریخ اندیشه و عمل نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم بزرگانی مانند نیوتن که طرز نگاه علمی آنها به مسائل، سیطره‌ای بالغ بر ۲۰۰ سال بر همه عرصه‌های اندیشه بشری داشته، زمانی که در برابر این پرسش قرار می‌گیرد که «رمز موفقیت شما چیست؟» در پاسخ می‌گوید: من هیچ گاه سعی نکردم که آتش را از نو کشف و چرخ را از ابتدا کشف کنم. تعبیر او این است که من ابتدا در هر عرصه‌ای سعی کردم که خود را روی شانه‌های نسل قبلی قرار بدهم. این موضوع به همان اندازه که در عرصه اندیشه راهگشاست در عرصه عمل هم به طرق اولی راهگشا خواهد بود. در دانش توسعه از این پدیده به مثابه یک مسأله پیچیده و استثنایی نام می‌برند که یک پیوند و درهم تنیدگی تمام عیار دارد. بنابراین امیدوارم نگاه به تجربه دفاع مقدس از دریچه توسعه منشأ خیری باشد که نظام سیاستگذاری‌های کنونی هم خطاهای خود را بهتر دریابد و هم راه برای برون رفت از چالش‌هایی که با آن مواجه هستیم، باز شود.

در این مجال از پیچیدگی‌های مربوط به تلقی از توسعه و بنیان‌های نظری توسعه و شاخص‌های پرشماری که برای سنجش حرکت به سمت توسعه و یا قهقرا وجود دارد، صرف نظر می‌کنم و در نهایت اجمال روی این مسأله تأکید می‌کنم که در روش‌شناسی توسعه گفته می‌شود که مهم‌ترین مأموریت برای پژوهشگران توسعه در هر شرایط زمانی و مکانی معین شناخت کانون‌های اصلی بازتولیدکننده توسعه نیافتگی است که در اندیشه توسعه به آن دوره‌های باطل گفته می‌شود.

در بین اندیشمندان توسعه افرادی وجود دارند که معتقدند کانون بازتولیدکننده دوره‌های باطل توسعه نیافتگی در ساخت سیاسی وجود دارد و مسأله را این گونه صورت‌بندی می‌کنند که می‌گویند مناسبات استبدادی به سوء عملکرد اقتصادی و مشارکت‌زدایی از مردم در بازارهای سیاست و اقتصاد منجر می‌شود. در واقع این دو مسأله باعث شکل‌گیری هرج و مرج شده که خود این موضوع جامعه را به سمت موج جدیدی از مناسبات استبدادی می‌کشاند و این دور باطل خود را بازتولید

با نقصان مواجه خواهد شد.

داگلاس نورث معتقد است در هر جامعه‌ای که تولید به حاشیه رود با پدیده استیلای نظامیان بر مناسبات سیاسی و اقتصادی مواجه می‌شویم. همچنین در غیاب ترتیبات نهادی مشوق تولید تعصبات جاهلی در ساحت علم و دین مسلط می‌شوند و گرایش‌های عالمانه و مشارکت‌جویانه در نظام باورها را به حاشیه می‌رانند. حال زمانی که از این دریچه به تجربه دفاع مقدس نگاه می‌کنیم، می‌توان گفت بزرگ‌ترین ریشه موفقیت‌های حاصل شده برخلاف همه شرایط سخت و ناگواری که به ایران تحمیل شده بود، این است که نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور در آن



از جنبه روش شناختی نیز نکته مهم و حیاتی که در اینجا وجود دارد، این است که نظام سیاستگذاری باید توجه داشته باشد زمانی که می‌گویم تولید صنعتی فناوریانه منظور صنعت به مثابه یک عنصر حیات جمعی است. به تعبیر دیگر عنصر گوهری برای تولید فناوریانه صنعتی بنا نکردن همه اقدامات بر محور دور نگرى است. اما زمانی که بنیادگرایی بازار ما را به سمت مصرف هدایت می‌کند، ما را به افق زمانی کوتاه مدت یا کوتاه‌نگری سوق می‌دهد در حالی که ما به افق زمانی بلند مدت و تضمین‌های بلندمدت نیاز داریم.

به تعبیر اندیشمندان توسعه اگر کشوری صادقانه و عالمانه حتی دغدغه اعتلای فرهنگی هم داشته باشد باید به سمت برقرار کردن تولید فناوریانه حرکت کند چرا که در جامعه‌ای که در آن ساختن تولید معیشتی رواج دارد ارتباطات به کمترین میزان می‌رسد و تعصبات جاهلی و عادت‌های بد و ناتوانی در همکاری می‌تواند قرن‌ها دوام بیاورد. پس در غیاب تولید صنعتی جامعه پیشرفت فرهنگی هم نخواهد داشت. بنابراین اگر می‌خواهیم در دوره‌های باطل توسعه نیافتگی گرفتار نشویم باید به تولید به مثابه تجربه نظام حیات جمعی نگاه کنیم. پس در جامعه‌ای که هزینه فرصت ارتکاب فساد اندک است و دروغ و فساد رواج دارد به همان میزان که در حوزه اخلاق و فرهنگ دچار انحطاط می‌شود، در حوزه تولید صنعتی مدرن هم

زمان این مسائل را فهمیده بودند و همه اقتضائات آن را رعایت می‌کردند. موضوعی که طی سالیان گذشته کم‌رنگ شده است. در حالی که اگر فهم ما از تولید توسعه‌گرا به مثابه نظام حیات جمعی باشد به سهولت متوجه می‌شویم که آن کارنامه توسط یک ملت و کل نظام حیات جمعی رقم خورده و متعلق به یک فرد یا گروه خاص نیست.

پس اگر از این دریچه به موضوع نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که به محض پیروزی انقلاب اسلامی همه گرایش‌ها معطوف به ارتقای بنیه تولیدی بوده است. به عنوان مثال یکی از حیاتی‌ترین تصمیماتی که رهبران انقلاب بلافاصله پس از پیروزی گرفتند این بود که در چهارچوب وفای به عهد در راستای کاهش اتکا به رانت نفتی صدور نفت خام که در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی روزانه ۴ میلیون بشکه بود با یک تصمیم بسیار شجاعانه روزانه به ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دادند یعنی یک کاهش ۸۰ درصدی در کاهش صادرات نفت خام. این اتفاق باعث شد تنها دوره‌ای که جهش قیمت نفت در بازارهای جهانی هیچ یک از عوارض و آثار بیماری هلندی و تفرین منابع در اقتصاد ایران بروز نداد همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی است آن هم بخاطر تصمیم سرنوشت‌سازی که گرفته شد. علاوه بر آن بررسی کارنامه کشور در همان سال‌ها که مصادف شده بود با آغاز جنگ تحمیلی نشان می‌دهد در عین حال که فساد به طرز خارق‌العاده‌ای کاهش پیدا کرده بود و هزینه فرصت مفت خوارگی بشدت افزایش یافته بود، بی‌سابقه‌ترین نظام‌های نهادی تشویق نظام‌وار تولید هم در آن دوره مشاهده می‌شود. یعنی می‌توان گفت کارنامه عملی آن دوره این گونه ظاهر می‌شود که در سال‌های پایانی دفاع مقدس سهم صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشور نزدیک به دو برابر سهمی است که صنعت و کشاورزی در سال پایانی حکومت پهلوی داشتند؛ آماری که بسیار شگفت‌انگیز و تکان‌دهنده است و نشان می‌دهد که با موضوع احساسی برخورد نشده است بلکه پشتیبانی‌های نظام‌وار در این زمینه وجود داشته است. برجسته‌ترین نمود آن این است که برای اولین بار در تاریخ اقتصاد نفتی ایران در دولت دفاع مقدس برای آنکه به صورت پیشگیرانه با انگیزه‌های رانت‌جویی و فساد مبارزه کنند، رئیس دولت وقت داوطلبانه به رئیس مجلس شورای اسلامی نامه نوشت و از آنها خواست تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص دلارهای نفتی برعهده مجلس قرار بگیرد. به این دلیل که به تدبیر آیت‌الله پیش‌بینی شده که هر تصمیمی که از کانال مجلس عبور کند شفاف خواهد شد و شفافیت باطل السحر مناسبات مربوط به رانت جویی است، این تصمیم راهبردی ایران را در برابر انگیزه‌های رانت‌جویی و فساد واکسینه کرد. در حالی که بعد از جنگ تاکنون با کنار گذاشتن این تصمیم به طرز فزاینده از فساد و رانت افزایش پیدا کرده

است. یعنی تصمیم‌گیری درباره تخصیص دلارهای نفتی از مجلس باز پس گرفته شد و در اختیار قوه مجریه قرار گرفت و بستری برای افزایش عدم شفافیت و به تبع آن شکل‌گیری مناسبات رانتی و پرفساد ایجاد شد.

عین همین مسأله درباره مسأله تولید و بالا بردن هزینه فرصت مفت خوارگی هم با مثال‌های پرشماری می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. در واقع از طریق بسترسازی‌های ایجاد شده از چنین اقدامات بی‌سابقه‌ای در حوزه تولید و توسعه با داده‌های قابل توجهی مواجه هستیم.

گزارش‌های رسمی حکایت از آن دارد که مجموعه ظرفیت‌های توسعه روستایی در ۱۰ سال اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی علی‌رغم تحریم‌ها و سایه سنگین جنگ به طور متوسط ۱۱.۵ برابر عددی بود که از دولت پهلوی تحویل گرفته شد. همچنین یکی از درخشان‌ترین اتفاقاتی که در آن دوره توسعه تولید محور را تأمین کرد ملی کردن بانک‌های خصوصی بود.

در نهایت می‌توان گفت که اگر کارنامه درخشانی در زمینه توسعه در دوره جنگ حاصل شده مهربون برنامه‌های نهادمندی است که مبارزه پیشگیرانه با رانت و فساد را در دستور کار قرار داد و از طریق ملی کردن بانک‌ها و دولتی کردن تجارت خارجی و بازتوزیع دارایی‌های مولد هزینه فرصت مفت خوارگی بشدت افزایش پیدا کرد و به دنبال آن یک برنامه حمایت توسعه‌گرا از تولید مشاهده می‌شود.

در سند پیوست اولین برنامه توسعه در ایران که توسط افراطی‌ترین منتقدان توسعه در زمان جنگ نوشته شده، معتقدند که جهت‌گیری‌های اتخاذ شده از سوی مدیریت اقتصادی کشور باعث شده سم تخصیص منابع به مصرف‌های لوکس و تجملی نزدیک به صفر و تقریباً همه تخصیص‌ها به مصرف‌های ضروری و حیاتی مردم معطوف شود. به همین دلیل هم هست که مردم از آن دوره خاطره خوش دارند. این موضوع جنبه تصادفی ندارد بلکه اقدامات مبتنی بر یک برنامه آگاهانه توسعه‌گرا بوده است. نکته قابل توجه آنکه به محض اتمام جنگ سیاست‌های افراطی از آزاد سازی و

خودکفایی؛ یادگارانه‌ترین سیاست دوران جنگ

۴۱ سال از اولین روز جنگ تحمیلی ایران و عراق می‌گذرد، جنگی که مشکلات متعدد و بی‌شماری را به اقتصاد کشور وارد کرد و اجازه نداد ایران، مسیر توسعه را بعد از انقلاب به خوبی طی کند؛ در ۸ سال جنگ تحمیلی که پایان آن مرداد ۶۷ بود، اقتصاد کشورمان با کمترین میزان تولید صنعتی و صادرات مواجه بود.

باید قبول کرد کشوری که در جنگ است هیچ سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، حاضر به سرمایه‌گذاری در آن کشور نیست، لذا در زمان جنگ ما نمی‌توانستیم نسبت به جذب سرمایه‌گذار و توسعه صنعتی به نحو مطلوب اقدام کنیم، بنابراین انتظار سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات منتفی بود.

بعد از جنگ، کشوری تحویل گرفته شد که صادرات چندانی نداشت و با چالش‌های جدی روبه‌رو بود. به خاطر دارم که در سال‌های بعد از جنگ (روزهایی که وزیر صنایع بودم) خوشبینانه میزان صادرات کشور بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار بود و با عده‌های امروز که بین ۴۴ تا ۴۵ میلیارد دلار است، فاصله زیادی داشت؛ در حال حاضر و با وجود سخت‌ترین تحریم‌ها صادرات صنعتی، محصولات کانی و غیرفلزی و پتروشیمی از سوی فعالان اقتصادی انجام می‌شود. در آن مقطع صادرات ایران محور کالاهای سنتی چون پسته و زعفران بود، بنابراین کشور در شرایطی نبود که صادرات قابل توجهی داشته باشد.

اتفاق دیگری که در زمان جنگ رخ داد، بمباران کارخانه‌های ایران بود؛ در حقیقت یکی از هدفگذاری‌های دولت وقت عراق بمباران کارخانه‌های ایران بود.

در دوران جنگ که کشور مرتب مورد بمباران قرار می‌گرفت شیشه خیلی از منازل مسکونی می‌شکست و از آنجا که تولید شیشه برای ایران کم و محدود بود، توانایی تأمین شیشه مورد نیاز خانواده‌ها نبود تا بتوانیم آنها را در برابر گرما و سرما حفظ کنیم؛ اکنون می‌بینیم که در زمینه تولید شیشه کشور به خودکفایی رسیده و حتی صادرات این محصول انجام می‌شود.

در روزهای بعد از جنگ تمام تلاش و سعی ما این بود که در اکثر کالاهای صنعتی به خودکفایی دست پیدا کنیم و به موازات تأمین نیاز داخل، موضوع صادرات دنبال شود. حال در مقطع فعلی و با وجود تحریم می‌بینیم که در بخش‌های مختلف صنعتی چون سیمان، محصولات غذایی، کاشی و... صادرات داریم؛ یکی از دلایلی که باعث شده اکنون با افتخار صحبت از صادرات کالاهای صنعتی کنیم، شکل‌گیری نگاه تولید در کشور و خودکفایی بود که در زمان جنگ پدیدار شد. این موضوع پیوسته و با وجود نظرات مختلف سیاستگذاران و مسئولان دنبال شد.

ما کشوری بودیم که پنیر و آب پنیر را از دانمارک وارد می‌کرد، حال اگر بازار را رصد اجمالی داشته باشیم، می‌بینید که در این حوزه فوق‌العاده تنوع محصول وجود دارد و همه نوع پنیر در کشور تولید می‌شود و از طرفی در این بخش حتی به مقوله صادرات دست پیدا کردیم. قدم اول ما در زمان جنگ این بود که به سمت خودکفایی حرکت کنیم و خیلی از واحدهای تولیدی با این استراتژی و مفهوم شکل گرفت. در زمان جنگ اکثر کالاهای مورد نیاز وارد می‌شد و برای خرید این کالاهای باید نفت می‌فروختیم؛ این بدان معنا است که در آن برهه زمانی اقتصاد کشور وابسته به درآمدهای نفتی بود. تجربه آن زمان باعث شد که اصرار بر فاصله گرفتن از درآمدهای نفتی اتفاق بیفتد و کشور به سمت صادرات غیرنفتی حرکت کند. فروش نفت بدون هیچ ارزش افزوده‌ای برای کشور هیچ عایدی نداشت و ادامه اتکا به درآمدهای نفتی کشور را از مسیر توسعه دور می‌کرد؛ در حال حاضر با این نعمت خدادادی در بخش‌های پتروشیمی، بنزین و سایر کالاها ورود کردیم که می‌تواند برای کشور ارزش افزوده داشته باشد.

زمانی که جنگ پایان یافت، سیاستگذاران موضوع خودکفایی را مجدانه پیگیری کردند، یکی از کالاهایی که در آن زمان برای تولید انبوه آن برنامه‌ریزی شد، سیمان بود. در آن مقطع ما وارد کننده سیمان بودیم، لذا شرکت احداث صنعت ایجاد و روند تولید سیمان پیگیری شد؛ اکنون این شرکت ۱۲ میلیون تن سیمان تولید می‌کند و حتی این مجموعه توانست در خارج از کشور پروژه‌های سیمایی را اجرا کند. در حوزه تأمین فولاد هم کارهای بزرگی صورت گرفت، هر زمان که قرار بود کارخانه‌ای ایجاد شود دو موضوع محور بود؛ یک، تأمین نیاز داخل و دو، صادرات. این گفته بیانگر آن است که کشور توانایی تولید و ورود به مرحله خودکفایی را در خیلی از کالاها دارد. ما اکنون به غیر از تأمین نیاز کشور توانسته‌ایم وارد بازارهای صادراتی شویم که این امر بسیار مهم است.

موضوع واردات و تولید داخل، طی سال‌های گذشته افت و خیزهای متعددی داشته؛ برخی وزرا به سمت واردات رفتند و برخی دیگر خودکفایی را محور قرار دادند؛ با ادغام وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع و معادن و نگاه واحدی که بر این وزارتخانه (صمت) شکل گرفته توازن بین صادرات و تولید ایجاد شده و تمام سعی وزرا بر این است که تا حد امکان، تأمین نیاز داخل از طریق تولید داخل صورت گیرد. در جمع‌بندی باید عنوان کنم، خودکفایی صنعتی که در دوران جنگ به کار گرفته شد به صورت صددرصدی بر ادامه سیاست‌های اقتصادی کشور اثرگذار بود؛ به هر ترتیب تجربه جنگ و پیش‌بینی ادامه دشمنی برخی کشورها باعث شد که جمهوری اسلامی ایران به فاصله گرفتن از درآمدهای نفتی و خودکفایی در تولیدات صنعتی تأکید کند و اجازه ندهد که اقتصاد کشور با تصمیم‌های برخی کشورهای متخاصم، آسیب ببیند.